



# ابهام امنیتی، آتش بس و پیامدهای آن

## یادداشت



ابراهیم منفی

استاد دانشگاه تهران

واحد‌های سیاسی همانند انسان‌ها در انتخاب گزینه‌های رفتاری از آزادی عمل همه‌جانبه و فراگیر برخوردار نیستند. در عرصه سیاست «معادله قدرت» نقش محوری در تعیین الگوی رفتاری کشورها، واحدهای سیاسی و نهادهای بین‌المللی دارد. ساخت نظام جهانی از قدرت فراگیر و همه‌جانبه‌ای بی‌ری کنترل الگوی رفتار کشورها بهره می‌گیرد. در نگرش «رتالیست‌های ساخت‌گرا»، الگوی رفتار کشورها در نظام بین‌الملل تابعی از چگونگی توزیع قدرت بین بازیگران می‌باشد.

در شرایطی که موضوع قدرت، ساختار و ابزارهای در دسترس کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوی رفتار واحدهای سیاسی خواهد داشت، پرسش اصلی در جنگ، صلح و آتش بس در هر حوزه منطقه‌ای و به ویژه در ارتباط با آتش بس دو هفته‌ای ایران و گروه‌های متخاصم از جمله امریکا و اسرائیل آن است که اولاً چه شکل‌بندی ساختاری در سیاست بین‌الملل حاکم است؟ ثانیاً واحدهای سیاسی از چه الگوی رفتاری برای تحقق اهداف خود بهره می‌گیرند؟ ثالثاً کشورها برای نیل به اهداف، چه ابزار و سازوکارهایی را مورد استفاده قرار می‌دهند؟ نکته چهارم آن است که ساخت ائتلاف واحدهای سیاسی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی چه آثار، نتایج و پیامدهایی را به همراه خواهد داشت؟

### ۱. چرایی پذیرش آتش بس

شکل‌گیری هرگونه بحران، منازعه، جنگ و آتش بس براساس «منطق قدرت» تعریف می‌شود. هر یک از واحدهای سیاسی، معادله جنگ و صلح را برای تحقق اهداف تاکتیکی و راهبردی خاصی در دستور کار قرار می‌دهند .

ترامپ در هر لحظه انگاره سیاسی و رویکرد خود را تغییر می‌دهد. «چرخه‌های کازینو» همواره در ذهن ترامپ در حال حرکت بوده و پس از هر وقفه، دوباره مسیر جدیدی را طی می‌کند. اتخاذ تصمیم در چنین شرایطی کاری دشوار و پرمخاطره برای کشورها می‌باشد. ترامپ سیاست قدرت را به خوبی درک می‌کند. رفتار سیاسی خود را بر اساس آموزه‌هایی مبتنی بر «ریسک‌پذیری» قرار می‌دهد، همواره به «حداکثرسازی سود» توجه

داشته و در تلاش است تا از «سازوکارهای فریب، اغوا و اقتان‌سازی» برای گمراه کردن رقیب استفاده کند. جنگ و صلح در نگرش ترامپ، موضوعات پرمخاطره محسوب نمی‌شود. علت آن را باید در شخصیت سیاسی، اقتصادی و راهبردی دونالد ترامپ جست‌وجو کرد. ترامپ احساس می‌کرد که در جنگ با ایران به «پیروزی سریع» نایل می‌شود. علت اصلی چنین ادراکی را می‌توان در سازاد قابلیت‌های اقتصادی، راهبردی، امنیتی، تکنولوژیک و اطلاعاتی امریکا و اسرائیل نسبت به ایران دانست. امریکا در دو روز اول جنگ توانست بخش قابل توجهی از اهداف راهبردی خود را به دست آورد، درحالی‌که واقعیت‌های راهبردی ایران را می‌توان در احساس نرفته اجتماعی و ساختاری جست‌وجو کرد.

در شرایطی که بخش قابل توجهی از ساخت اجتماعی ایران بعد از حوادث ۱۸ و ۱۹ دی ماه در وضعیت ابهام نسبت به ساخت سیاسی و اقتصادی قرار داشت، تهاجم نظامی امریکا و اسرائیل، معادله کنش ارتباطی جامعه ایران را با تغییر بسیار بنیادین همراه ساخت. «روح ایران و ایرانیت» ققنوس‌وار بازتولید شد. نیروهای اجتماعی تماماً در تلاش برای ایفای نقش سیاسی و راهبردی برآمدند. هرکسی درصدد بود تا برای مقابله با دشمن حداکثر توان خود را به کار گیرد.

واکنش بخش قابل توجهی از ساخت اجتماعی ایران در داخل و خارج از کشور پس از تهاجم نظامی و امنیتی امریکا و اسرائیل به ایران با «روح ایرانی» پیوند یافت. ناسیونالیسم و دفاع از کشور را می‌توان در قالب اندیشه «کارل اشمیت» به مثابه «امر سیاسی» دانست. هر امر سیاسی نشانه‌هایی از «خودی و دیگری» را به همراه دارد. در چنین شرایطی بود که طیف گسترده هنرمندان و متخصصین ایرانی خارج از کشور در فضای پارادوکسیکال قرار گرفته و ترجیح دادند که در «مقابل وطن و دشمن» هیچ تردیدی نداشته باشند. روح ایرانی از روستاهای خرم‌آباد تا تمامی اروپا و امریکا به هیجان درآمد. انگاره جدیدی شکل گرفت که مبتنی بر صلح، تمامیت ارضی، استقلال و حفظ دستاوردهای اقتصادی و راهبردی کشور می‌باشد. در چنین شرایطی شبکه خبری و تحلیلی «ایران اینترنشنال» عموماً از کارشناسان و کارگزارانی استفاده کرد که سیاست‌های موساد را ترویج می‌کردند. در فضای جنگ ۴۰ روزه اگرچه شرایط ارتباطی ایران بسیار محدود بود و ایران اینترنشنال تنها شبکه‌ای بود که امکان دسترسی به آن وجود داشت، اما قالب‌های اعتباری و تحلیلی کارشناسان این شبکه به گونه قابل توجهی کاهش

پیدا کرد .

به هر میزان که جنگ ادامه پیدا می‌کرد و بخشی از زیرساخت‌های ایران تخریب می‌شد، رشد ناسیونالیسم و مقابله با سیاست‌های نظامی امریکا و اسرائیل انعکاس بیشتری در ساخت اجتماعی ایران می‌یافت. فضای اجتماعی ایران به گونه تدریجی تهییج شد. اندیشه «جان‌فدا» تبدیل به گفتمان مقابله با تهدیدات دشمن گردید. در چنین شرایطی بود که در زمان تهدیدات دونالد ترامپ درباره هدف قرار دادن نیروگاه‌های هسته‌ای و برخی از مراکز ارتباطی، زمینه برای استقرار گروه‌های شهروندی در این مناطق فراهم شد. نشانه‌های مقاومت اجتماعی ایران، پیوند همه‌جانبه‌ای با «کنش متقابل موشکی» علیه تأسیسات امریکا و اسرائیل در محیط منطقه‌ای داشته است .

ژنرال «دن کین» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا به این موضوع اشاره کرد که وقتی هواپیمای آمریکایی در فضای جست‌جوی خلیان **F15** فعالیت می‌کرد، تمامی عشاير گروه‌های اجتماعی ایرانی با هر اسلحه‌ای که داشتند به سوی هواپیمای آمریکایی شلیک می‌کردند. چنین اقدامی را می‌توان به‌عنوان یکی از نشانه‌های «دفاع فراگیر» و «مقاومت اجتماعی» ایران در شرایط جنگ و صلح دانست. واقعیت آن است که در فضای جنگ، نه‌تنها ناسیونالیسم ایرانی در فضای تهییج قرار گرفت، بلکه نشانه‌هایی از «ابتکار عمل تاکتیکی» گروه‌های اجتماعی برای مقابله با تهدیدات نظامی امریکا و اسرائیل به وجود آمد.

تلاش آمریکا برای زبایش اوزانوم غنی شده با چالش‌های امنیتی و محاسباتی روبه‌رو شد. نیروهای هوابرد آمریکا در فضای کنش عملیاتی نتوانستند وارد حوزه‌های کنترل شده امنیتی شوند، در نتیجه بخشی از قابلیت‌های تاکتیکی خود را از دست دادند. هر گونه کنش نظامی آمریکا در ایران، اگرچه آغاز مؤثری در چهارچوب تاکتیک‌های دشمن داشته، اما واقعیت آن است که در زمان محدودی با نشانه‌هایی از چالش امنیتی و تهدید متقابل مواجه شد.

مقاومت و کنش متقابل ایران در برابر تهدیدات آمریکا و اسرائیل اگرچه ماهیت متوازن با اقدامات تهاجمی دشمن نداشته است، اما بازدارندگی لازم را برای آتش بس و توقف مرحله‌ای جنگ فراهم آورد. به طور کلی می‌توان تأکید داشت که موازنه قدرت و مقاومت در زمره عناصر بنیادین کنش تاکتیکی ایران برای متوقف‌سازی و مقابله با اقدامات تهاجمی دشمن بوده است. در شرایط جنگ و تهدیدات امنیتی، زمینه برای کنترل «تنگه هرمز» توسط ایران فراهم شد. ایران تلاش کرد قابلیت‌های خود در امنیت‌سازی منطقه‌ای را به کار گیرد و از این طریق



ایران و جبهه مقاومت از «قانون ظروف مرتبطه» بهره‌گرفته و جداسازی آنان در فضای بحران امنیتی، چالش‌های قابل توجهی را برای آینده سیاسی ایران ایجاد خواهد کرد

چالش‌های بیشتری فراروی سیاست امنیتی آمریکا به وجود آمد.

### ۲. آثار تهاجم نظامی آمریکا و اسرائیل در سیاست بین‌الملل

سیاست بین‌الملل تابعی از ضرورت‌های کنش کشورها در فضای رقابت‌های منطقه‌ای و راهبردی است. تجاوز و اقدام نظامی امریکا علیه ایران منجر آمریکا نشد. در بسیاری از دوران‌های تاریخی گذشته نیز سیاست مبتنی بر توسعه‌گرایی، مداخله و تهاجم نظامی امریکا از سوی نهادهای بین‌المللی مغفول واقع شده است. یگجانبه‌گرایی ترامپ در این دوران تاریخی، هزینه‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی برای اقتصاد کشورهای اروپایی و چین به وجود آورد. مشاور امنیت ملی روسیه به این موضوع اشاره کرد که ایران برای مقابله با سیاست تهاجمی امریکا و اسرائیل، قابلیت خود برای کنترل تنگه هرمز را به نمایش گذاشت. کشورهای منطقه‌ای همانند ایران اگر از اراده و قدرت مقاومت برخوردار باشند، قادر خواهند بود هزینه‌های قابل‌توجهی را برای سیاست تهاجمی آمریکا به وجود آورند. کنترل تنگه هرمز بخشی از قابلیت تاکتیکی نیروی دریایی جمهوری اسلامی بود که تأثیر خود بر اقتصاد جهانی را به‌جا گذاشت. در این فرآیند، شهروندان کشورهای آسیای شرقی و اروپا، هزینه‌های قابل توجهی را به دلیل سیاست توسعه‌طلبانه و تهاجمی امریکا و اسرائیل پرداخت کردند. دونالد ترامپ در فرآیند جنگ علیه ایران بارها و بارها کشورهای اروپایی را تهدید کرد و به کشورهای اروپایی هشدار داد که اقدام متقابل را در آینده به انجام خواهد رساند. ترامپ در این فرآیند تاریخی حتی به اراده امریکا در آینده برای «اشغال گرینلند» اشاره کرد. تضادهای آمریکا و اروپا در روند جنگ منطقه‌ای علیه ایران به میزان قابل‌توجهی افزایش یافت. در همین دوران تاریخی، کشورهای منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه به این جمع‌بندی رسیدند که ایالات متحده قواون به حمایت از امنیت اقتصادی و راهبردی آنان نیست.

واحدهای منطقه‌ای جنوب غرب آسیا بیش از گذشته از سیاست همکاری امنیتی و راهبردی با ایالات متحده فاصله گرفتند. آنان در شرایطی واقع‌شدند که می‌بایست هزینه‌های کنش تهاجمی امریکا و اسرائیل را پرداخت کرده و این امر برای اقتصاد و سیاست آنان مخاطرات امنیتی قابل توجهی را به وجود می‌آورد. در روند جنگ، آمریکا تمامی حمایت تاکتیکی و پدافندی

## سیاسی



خود را در ارتباط با اسرائیل به کار گرفت.

کشورهای منطقه‌ای خلیج‌فارس دربراره موضوعاتی هزینه پرداخت می‌کنند که نه‌تنها سود اقتصادی چندانی برای آنان نخواهد داشت، بلکه هزینه‌های امنیتی بیشتری را برای آینده سیاسی آنان به وجود می‌آورد.

### نتیجه

آتش بس در شرایطی مورد پذیرش امریکا و اسرائیل قرار گرفت که ترامپ تندترین ادبیات تهاجمی را علیه ساخت اجتماعی و نهادهای سیاسی جامعه ایران به کار گرفته بود. کنش تهاجمی امریکا و اسرائیل اگرچه چالش‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی را برای ایران به وجود آورد، اما واقعیت آن است که زمینه بسیج اجتماعی و همبستگی عمومی گروه‌های شهروندی را امکان‌پذیر ساخت. ایالات متحده احساس می‌کرد جنگ منجر به افزایش اعتراض گروه‌های اجتماعی به وجود آمد و این امر زمینه انسجام‌بخشی ساختاری در شرایط تهدید امنیتی را شکل داد.

ساخت داخلی ایالات متحده از آتش بس کاملاً حمایت به عمل می‌آورد. اسرائیل نیزآتش بس را فرصتی می‌داند برای آنکه کنش تهاجمی پرانمه‌ای را علیه حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت به انجام رساند. پرسش آن است که در فضای موجود کنش عملیاتی و امنیتی اسرائیل علیه حزب‌الله، ایران از چه سازوکاری برای ارتان تنظیمی می‌کنیم، پس از آن نیروهای خارجی در فضای منطقه‌ای فاقد هر گونه مزبندی جغرافیایی است. بنابراین هر گونه تهاجم امنیتی علیه هر یک از بازیگران جبهه مقاومت آثار راهبردی خود را برای استقلال، تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران در آینده نزدیک به‌جا می‌گذارد.

اگر در فضای موجود، زمینه برای کاهش قدرت حزب‌الله فراهم شود، در آن شرایط ایران از آسیب‌پذیری بیشتری در آینده برخوردار می‌شود. واقعیت آن است که آتش بس، بخشی از تاکتیک‌های نظامی و عملیاتی امریکا و اسرائیل محسوب شده و می‌تواند در آینده چالش‌های امنیتی بیشتری را برای ایران و جمهوری اسلامی به وجود آورد. ایران و جبهه مقاومت از «قانون ظروف مرتبطه» بهره‌گرفته و جداسازی آنان در فضای بحران امنیتی، چالش‌های قابل توجهی را برای آینده سیاسی ایران ایجاد خواهد کرد.

## صلح، خودش یک پیروزی است

در واقع ایران نشان داد که راهی جز صلح وجود ندارد. ۲-۱ این جنگ تمام شد و افتخار ابدی آن در تاریخ برای سربازان و مدافعان عزیز کشور می‌ماند که جان برکف در نابرابرانه‌ترین شرایط به خود تزلزلی راه ندادند. تمام‌قد در برابر آنان تنظیمی می‌کنیم، پس از آن نیروهای فرمان آتش‌نشانی و هلال احمر و دولت و همه کارکنان آن در وزارتخانه‌هایی که در طول جنگ نگذاشتند آب و برق و کالای اساسی خوراکی با بحران روبه‌رو شود و شرایط را به گونه‌ای مدیریت کردند که اوضاع عمومی کمتر شباهتی به شرایط جنگی داشت. همچنین آن هنرمندان عزیزی که در این ایام برای ایران خواندند و نواختند و مردمی که زنجیره انسانی در حفاظت از نیروگاه‌ها و بناهای فرهنگی تشکیل دادند و ترامپ که عمق آن را نفهمیده، نامش را تشکیل سپر انسانی در جنگ گذاشت و مردمی که خیابان را به دشمن ندادند

و ننگ ابدی در تاریخ برای وطن‌فروشانی می‌ماند که با توهم قدرت و سیاست، انسانیت و شرافت را پایمال کردند و بر خون ایرانیان قصدیدند و مدافع زمینه‌ساز و ابزار روانی شدند. چه بد دستاوردی است قدرتی که از این راه ننگین به دست آید و بدتر از آن، ننگ برای کسانی است که چنین جنگ و تجاوزی را می‌خواستند با حقوق بشر توجیه کنند و نام آن را مداخله بشردوستانه بگذارند!

۳- و سومین نکته این نگرانی است که در کل چک‌چک و جد‌ها و جدال‌های سیاسی که حتی در دل جنگ توسط برخی افراد دنبال می‌شد، همکاری و همدلی ملی زخمی شود و جامعه دلسرد از پیش شود که این خودش از هر مشکل ناشی از دخالت خارجی بالاتر است.

نهادهای مختلف حاکمیتی شگاف اجتماعی که پس‌جا دشمن را به طمع انداخت، عمیقاً ریشه‌یابی و گذشت و رحمت پیشه کنند و به ترمیم زخم‌ها یاری رسانند، کاری که پیامبر اسلام (ص) بعد از فتح مکه کرد.

بزرگ‌ترین جنگ در تاریخ معاصر ایران علیه ملتی استوار، فعلاً به نظر می‌رسد پایان یافته است هرچند آثار و عوارض آن پس از این آشکار می‌شود . بدون شک ایران عزیز سربلند از این جنگ تحمیلی بیرون آمده و ناظران خارجی و تحلیلگران داخلی هم دلایل زیادی درباره اینکه ایران پیروز بوده است ذکر کرده‌اند و خواهند کرد ولی نباید فراموش کنیم که جنگ، شری است که ایران هیچ‌گاه خواستار آن نبوده است. گمان این که امروز دیگر جان‌های از دست رفته بازمی‌گردند.

بنابراین جنگ در ذات خود یک خسران است به‌ویژه شکستی برای آغازگران. فراموش نکنیم گرچه آغازگران جنگ از تسلیم بدون قید و شرط طرف مقابل می‌گفتند اما نتوانستند شرایطی را فراهم کنند تا جنگ بدون شکست خودشان تمام شود.

۱- به گمان نگارنده باید مراقب بود که در پیروزی آسیب‌دیدگان جنگ دیده شوند و احساس کنند و بداندند که یاد شهیدان سرفراز جنگ جاودان است. حتی تمرکز زیاد روی فهرست پیروزی‌ها نباید مانع دیدن ضعف‌ها شود. امروز پس از پیروزی باید محور بحث این باشد که صلح خودش یک پیروزی است، به‌ویژه برای کشوری که آغازگر جنگ نبوده و همواره در مقام دفاع از خود بوده است. برای کشوری که در چنین شرایطی جنگیده، در کنار برجسته‌کردن شکست و تسلیم دشمن، برجسته کردن ارزش صلح مهم است؛ صلحی که ایران در مذاکرات دنبال می‌کرد و با حمله مشترک دوباره و غافلگیرانه آمریکا و اسرائیل نقض شد.

نقض‌کنندگان دوباره مجبور شدند به همان راه بازگردند.

یادآور بناهای کهن ایرانی است. قطعات کوچک آئینه که در عین جدایی به هم پیوسته‌اند و یکدیگر را کامل می‌کنند و هر کسی خود را در آن می‌بیند؛ آئینه و آئینه‌گی که تمدن ایرانی را یازتاب می‌دهد. این را در فرهای ادعای «نابودی تمدن ایرانی و بازگرداندن به عصر حجر» بار دیگر یافتم، جایی که در بازدید دوباره از کتیبه به‌ظاهر ویران کلبیجان عیان شد. من نگران حفاظت آثار ارزشمندی بودم که در هر مکان مقدسی وجود دارند و هویت‌بخش آنجا هستند.

علی‌رغم آن‌که صبح خیلی زود بود و در طول شب گذشته، ایرانیان نگران اتفاقاتی بودند که خواب را از چشمشان ربوده بود، از خوش‌اقبالی در همان کوجه با استقبال یکی از مدیران نشر، آقای ابراهیم‌زاده که دفتر و منزلش در همان کوجه بود روبه‌رو شدم. با اعتماد به نفس و صدایی پرشکوه چنین گفت: «ما اهالی کوجه تصمیم داریم کوجه را بهتر از گذشته، خودمان آباد کنیم. حالا هم نان بربری و پنیر تبریز و چای ایرانی آماده است تا دیگر همسایگان هم کم‌کم برسند.» با فال حافظ سخن را به پایان بردیم. چنین آمد: «فتنه می‌بارد از این سبک مفرنس برخیز، تا به میخانه پناه از همه آفات بریم» این همان، به همین مناسبت بنه‌ای شیرینی به زبانه‌گردی اهدا کردم. با تعجب پرسید مگر امروز عبد است؟ گفته‌م: صلح شده است. با صراحت گفت: «برای امثال ما جنگ و صلح چیزی اهمیت دارد؟ او نمی‌دانست. البته من هم نمی‌دانم. اما به نظرم لسان‌الغیب در همان غزل پاسخ داده است: «قدر وقت از نشناسد دل و کاری نکند، بس دنامت که از این حاصل اوقات بریم»

در این گشت و گذار، ایران برابریم همچون کوه دماوند بلند و باصلابت و باشکوه نداعی شد و چون گفتم دماوند، جا دارد از کار بزرگ هنرمند گرانه‌ای، علی‌قمصری یاد کنم که این روزها جسم و جان و تار و هنرش را برداشت و در مقابل نیروگاه دماوند آماده شد تا همگی را فدای ایران کند.

**که ایران چو باغی است خرم بهار**
**چو ایران نباشد تن من مباد**



عمادالدین باقی نویسنده و فعال حقوق بشری



نکته باز در مقاومت ملی ایرانیان، شعار اتحاد و انسجام حول محور ایران بود و همه‌جا سه رنگ سبز و سفید و سرخ په چشم می‌خورد و نام بلند ایران طنین داشت



احمد مسجدجامعی وزیرپیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی

برای بناهای آسیب‌دیده تاریخی. میراثی (همچون کاخ مرمر، کاخ و موزه ملی قرآن کریم. کاخ‌موزه گلستان، کاخ‌موزه سعدآباد، موزه مقدم) و بالاخره دیدار از کتیسه‌ای دایرو فعال واقع در خیابان بزرگمهر، خیابان فریمان، کوجه ملک که به ناطق در بامداد همان روز مورد حمله قرار گرفته بود، گذراندم. مقصد بعدی، دیدار با ناشران خیابان انقلاب بود.هوزه کتابفروشی‌های آسیب‌دیده آنجا بود که به دلایل امنیتی راه‌ها را بسته و اجازه ورود به آن منطقه را نمی‌دادند. در عوض، میدان‌ها و خیابان‌های اصلی این مسیر، بنا به شواهد، آماده حضور شبانه مردم می‌شد. حضور انواع سبک‌ها و با سلیقه‌های متفاوت اجتماعی در کنار هم ذیل پرچم مقدس ایران و پخش سرودهایی که نام میهن و وطن ایران در آن برجستگی داشت حال و هوای خاصی به این تجمعات داده بود.

در گفت‌وگو با ناشران، بحث تعدیل نیروی انسانی به دلیل مشکلات مالی از اهم مباحث مطرحه بود. ناشران عموماً رضایتی به این کار نداشتند و از سسر ناچاری به این کار تن داده و در عین حال نگران عواقب معیشتی نیروهای خود بودند. البته گرانی کاغذ هم دغ‌غه مهم آنان بود.

حضور در مراسم غریبانه چهلم شاعر شهید جوان آقای سعید